



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



... وَ قَدَّيْنَاهُ بِذَبِجٍ عَظِيمٍ

ماه عظیم‌القدر ذی‌الحجه سپری شد و در دومین سالی که به سبب بلایی همه‌گیر، بسیاری از مسلمانان مشتاق، از نعمت حج بازماندند، وارد ماه محرم شده‌ایم. همانگونه که ماه محرم به ذی‌الحجه پیوسته است، عاشورا نیز با عرفه پیوندی ناگسستنی دارد و سرور و سالار شهیدان با کعبه و خدای کعبه، این پیوند عمیق، همواره در گستره تاریخ حتی در آیین‌ها و اشعار عاشورایی به خوبی درک و منعکس شده و در مرثی سیدالشهدا (علیه السلام) همواره از کلیدواژه‌های فرهنگ حج استفاده شده است و چرا چنین نباشد، در حالی که بر مبنای منطق والای قرآن کریم، دعوت حج، در حقیقت دعوت به سوی امام معصوم و بر مبنای فرهنگی روایی شیعه، تمام حج، لقاء امام است.

صحیفہ امام رحمۃ اللہ علیہ، ج ۶، ص ۳۳



- ۴ سیری در سیره و تاریخ حج‌گزاری امام حسین علیه السلام
- ۴ روایتی جالب از طواف و اطعام امام حسین علیه السلام
- ۵ استقامت در مسیر حق
- ۶ آیا زیارت امام حسین علیه السلام بالاتر از حج است؟
- ۷ ویژگی شیعیان امام حسین علیه السلام
- ۷ مروه پشت سر نهاد اما صفا دارد حسین علیه السلام
- ۸ معرفی خطبه امام حسین علیه السلام در سرزمین منا
- ۹ تفسیر و شواهد قرآنی مسئله حج در اندیشه مقام معظم رهبری حفظه الله
- ۱۰ معرفی کتاب
- ۱۱ از سخنان امام حسین علیه السلام

سیری در سیره و تاریخ حج گزاری

امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید احمدی
رئیس کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین

روایتی از

طواف و اطعام امام حسین علیه السلام

زمخشری در کتاب «ربیع الابرار و فصوص الاخبار» آورده است که:

... الحسين بن علي عليهما السلام يطوف بالبيت، ثم صار إلى المقام فصلى، ثم وضع خده على المقام فجعل يبكي ويقول: عبیدك ببابك، سائلك ببابك، مسكينك ببابك، يردد ذلك مرارا، ثم انصرف، فمر بمساكين معهم فلق خبزياكلون، فسلم عليهم، فدعوه إلى طعامهم، فجلس معهم وقال: لو لا أنه صدقة لأكلت معكم، ثم قال: قوموا إلى منزلي، فأطعمهم و كساهم، ثم أمر لهم بدراهم.

حسین بن علی علیه السلام را مشاهده کردند؛ در حالی که مشغول طواف خانه خدا بود. آنگاه به طرف مقام ابراهیم آمد و نماز به جا آورد. سپس صورتش را بر مقام گذارده و شروع به گریه کرد و عرض نمود: «بنده کوچکت به در خانه توست، خادم کوچکت به در خانه توست، سائلی به در خانه توست، محتاجی به در خانه توست.» این جملات را مکرر تکرار می نمود. آنگاه بیرون آمد و گذرش به مساکینی افتاد که مشغول خوردن تکه هایی از نان بودند. حضرت بر آنان سلام کرد. آنان امام علیه السلام را به غذایشان دعوت کردند. حضرت نزد آنان نشست و فرمود: اگر این ها صدقه نبود من با شما تناول می کردم. آن گاه فرمود: برخیزید و به سوی منزل من آیید. حضرت از غذا و لباس آن ها را بهره مند کرد و امر فرمود تا مبالغی به آنها پرداخت شود.

همچنین ابراهیم رافعی از پدر خود از جد خود نقل می کند که گفت: «حسن و حسین را دیدم که پیاده به حج می روند، سپس بر هیچ سواره ای نگذشتند مگر آنکه او نیز پایین آمده پیاده راه می رفت.»^۳ برخی از سلوک امام حسین علیه السلام در حج از سیره حج گزاری آن حضرت نقل شده است که در سفر حج به راهنمایی مردم برای انجام اعمال و مناسک حج می پرداخت تا حج آنان مطابق شریعت اسلامی اقامه شود.^۴

عمار بن معاویه از ابوسعید نقل کرده که گفت:

«حسن و حسین علیه السلام را دیدم که با امام به جماعت نماز عصر را خواندند. سپس نزد حجرالاسود آمده آن را استلام کردند و سپس هفت بار طواف کردند و دو رکعت نماز خواندند.»^۵ روایت شده که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بعد از نماز عصر، طواف خانه خدا نمودند و ایستاده از آب زمزم نوشیدند.^۶

اسحاق بن عمار از حضرت ابوالحسن علیه السلام نقل می کند که فرمود: «مردم (اهل سنت) را ندیدم که از حسن علیه السلام و حسین علیه السلام جز نماز در طواف واجب بعد از نماز عصر و بعد از نماز صبح فرا گرفته باشند.»^۷

از سیره صحیح حج گزاری را به نمایش کشید. نیایش امام همراه با تضرع و خضوع و خشوع مثال زدنی آن امام در عرفات در روز نهم ذی حجه نمونه بارز از این سلوک معنوی و الهی آن حضرت بود که امروز میراث جاوید و ارزشمندی به نام دعای عرفه و شیوه نیایش آن حضرت که در منابع معتبر آمده است برای امت اسلام به یادگار مانده است. در یکی از گزارش ها آمده است که امام حسین علیه السلام در کمال فروتنی در پیشگاه خدای عزوجل رهسپار خانه خدا می شد تا با خضوع و خشوع تمام، مناسک حج را به جای آورد.^۱

دیده شد که امام حسین علیه السلام خانه خدا را طواف می کرد، سپس به مقام ابراهیم رفت و نماز گزارد. سپس گونه خود را بر مقام نهاد و شروع به گریه کرد و می فرمود: «عبیدک بباک، خویدمک بباک، سائلک بباک، مسکینک بباک؛ خدایا بنده ناچیز تو به در خانه ات پناه آورده، خدمت گزار کوچک تو به در خانه ات پناه آورده، خواهان تو در خانه ات پناه آورده، نیازمند تو به در خانه ات پناه آورده».

این فرازاها را پیوسته تکرار می فرمود، سپس برگشت و در بین راه به نیازمندی گذر کرد که پاره نانی را می خورند به آنان سلام گفت: حضرت را به غذای خود دعوت کردند حضرت با آنان نشست و فرمود: «اگر صدقه نبود با شما می خوردم، سپس فرمود که به هریک مقداری پول بدهند.^۲

اهمیت حج در اسلام به دلیل جامعیت آن همواره مورد توجه و اهتمام ائمه هدی علیه السلام بوده است و حج از منظر اهل بیت عصمت و طهارت فرصتی برای معرفی مکتب و اسلام ناب محمدی ﷺ و از دیگر سو به عنوان سیر و سلوک مؤمنان و نردبان قرب الهی، راهی اطمینان بخش برای عروج الی الله بوده است. این خصوصیت و ده ها ویژگی دیگر حج که از آن به سان اسلام یا به سان قرآن و یکی از ارکان اسلام و پرچم برافراشته دین یاد شده است. سبب شده است که این عبادت فاخر و بی بدیل مورد عنایت و در کانون توجه ایشان قرارگیرد. و امامانی که فرصت حضور داشتند به کرات و دفعات در مراسم حج حضور یافتند و حج به جا آوردند. از جمله حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام، چنانچه سومین امام شیعیان است. چنانچه نقل شده است چند بار همراه پدر ارجمندشان امام علی علیه السلام و برادر بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیه السلام و جمعی دیگر از نزدیکان در مراسم حج شرکت کردند. در برخی متون آمده است که امام حسین علیه السلام ۲۵ حج به جای آوردند.

ابوبکر انصاری با سند خود از عبدالله بن عبید نقل می کند که گفت: «حسین بن علی علیه السلام بیست و پنج بار پیاده حج نمود در حالی که اسبان او را همراهش می کشیدند.»

تضرع و فروتنی در حج

حضور خاشعانه و سیره معنوی حضرت در حج، سلوک ارزشمندی

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۳ ص ۱۹۳ مجمع الزوایر ج ۹ ص ۱-۲
۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، شماره ۷۴۵، ص ۷۷۳
۳. همان، بخش دوم، شماره ۷۳۱، ص ۷۶۷.
۴. رک. همان.
۵. همان، شماره ۷۴۷.
۶. همان، شماره ۷۴۷.
۷. همان، ص ۷۴۸.

چهلچهار

استقامت در مسیر حق



خداوند در آیه «وَلَمَّا بَرَزُوا لِحَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» [او هنگامی که در برابر (جالوت) و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدم‌های ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان!، سوره بقره، آیه ۲۵۰] به چند نکته ظریف اشاره داشته است. هنگامی که طالوت و سپاه او، به جایی رسیدند که لشکر نیرومند جالوت، نمایان و ظاهر شد «وَلَمَّا بَرَزُوا»، در برابر آن

آب‌شده‌ای را که در قالب بریزند؛ منظور از آن در اینجا این است که خدای تعالی صبر را در دل آنان و به قدر ظرفیت دل‌هایشان بریزد؛ صبر و شکیبایی و استقامت، در آخرین حد آن. لذا تعبیر به «أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا» کردند. نکره‌بودن «صبر» نیز تأکیدی بر این مطلب است.

تکیه بر ربوبیت پروردگار «ربنا» و استفاده از تعابیر «أَفْرِغْ» به معنی خالی کردن پیمانه، «علینا» بیان‌گر نزول از طرف بالا و «صبرا» که دلالت بر عظمت دارد، مفهوم این دعا را کاملاً عمیق و پرمایه می‌کند. دومین درخواست آن‌ها از

قدرت عظیم صف کشیدند، دست به دعا برداشتند و از خداوند سه چیز طلب کردند. کلمه «بَرَزُوا» به معنای آشکار شدن است. از آنجا که وقتی انسان در میدان جنگ، آماده و ظاهر می‌شود، ظهور و بروز دارد به این کار، مبارزه یا «براز» می‌گویند؛ به همین جهت بیرون شدن هم‌اورد از لشکر دشمن و مبارزه طلب کردن او را «براز» می‌گویند. اولین درخواست سپاه طالوت از خداوند، نزول آخرین حد از صبر به قلبشان بود. کلمه «إِفْرَاق» که فعل امر «أَفْرِغْ»، مشتق از آن است به معنای ریخته‌گری است، یعنی فلز

خداوند در آیه «وَلَمَّا بَرَزُوا لِحَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» [او هنگامی که در برابر (جالوت) و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدم‌های ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان!، سوره بقره، آیه ۲۵۰] به چند نکته ظریف اشاره داشته است. هنگامی که طالوت و سپاه او، به جایی رسیدند که لشکر نیرومند جالوت، نمایان و ظاهر شد «وَلَمَّا بَرَزُوا»، در برابر آن

ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص: ۴۴۴. تفسیر نمونه، ج ۲، ص: ۲۴۵.
برگرفته از کتاب چهل جرعه دعا،
حجت الاسلام مسعود حاجی ابراهیمی



ضيافت خلیل

نشریه ضیافت خلیل | شماره اول | محرم ۱۴۴۳ هـ ق | مرداد ۱۴۰۰ هـ ش
مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت



پس بین امام **حسین** علیه السلام و حج رابطه‌ای هست. امام حج یزید را ترک کرد تا در کربلا با خونش حج کند. کسانی که قصد ترور امام را داشتند، در زیر لباس‌هایشان اسلحه حمل می‌کردند و در حین حرکت میان صفا و مروه و طواف کعبه، به دنبال فرصتی بودند تا امام را به قتل برسانند. امام این حج صوری و یزیدی را رها کرد تا حج **حسینی** به جای آورد. کشته شد تا حج حقیقی حفظ شود. پس رابطه‌ای بین کعبه و امام **حسین** علیه السلام وجود دارد. به همین سبب، هر زمانی که موسم حج و عمره است، ایام زیارتی امام **حسین** علیه السلام هم هست. برای اینکه او بود که این سنت و مناسک را حفظ کرد و حیات را دوباره به اسلام و کعبه بازگرداند. این مناسبت، یعنی زیارت امام **حسین** علیه السلام،... به این سبب است که تأکید می‌کند اسلام صوری اسلام یزیدی است و اسلام واقعی اسلامی است که حج آن موجب وحدت مسلمانان و نمازش مانع از فحشا و منکرو و روزهاش سیر آتش است، همان‌طور که در خطبه حضرت زهرا علیها السلام خوانده‌ایم. اسلامی که **حسین** علیه السلام جلودار آن است، اسلام حقیقی است. یزید به دنبال اسلام واقعی نیست، بلکه اسلام ظاهری را می‌خواهد تا بر مردم حکومت کند. اسلام هرگز با ذلت و حقارت و تسلیم در برابر مشکلات و ناامیدی از پیروزی و احساس ضعف در مقابل دشمن، جمع نمی‌شود، هرچند این دشمن یزید و بزرگ‌تر از یزید باشد.

اسلام واقعی اسلام **حسین** است و، به همین سبب، زیارت با معرفت امام **حسین** علیه السلام برای **حسینی**‌ها بالاتر از هزاران حجتی است که یزیدی‌ها به‌جا می‌آورند. این معنای آن است که می‌گویند زیارت امام **حسین** علیه السلام بالاتر از حج و عرفه است، و الا همه عزت و شرف او از اسلام است و امکان ندارد بالاتر از حج و اسلام باشد، زیرا همه عظمت او از اسلام و از حج است. بله، هزاران حج صوری با زیارت امام **حسین** علیه السلام برابری نمی‌کند، چون حج واقعی و اسلام حقیقی به دست او سیراب شد و رشد کرد و حیات خود را دوباره پیدا کرد.

برگرفته از: امام موسی صدر، سفر شهادت (گفتارهایی درباره واقعه عاشورا)، ص ۴۴-۴۶

سوار شد و از آن سوءاستفاده کرد. این چه اسلامی است که از آن سوء استفاده می‌شود؟ مسلم است که این اسلام ظاهری است؛ اسلامی که مردم را از شهادت دروغ باز نمی‌دارد و از هتکِ نوامیس مردم و هتک حرمت خانه خدا و مباح کردن جان و مال و ناموس مردم مدینه به مدت سه روز و کشتار ده‌ها و صدها تن از مردم به دست خلیفه جلوگیری نمی‌کند. این اسلام نیست. این تنها ظاهر اسلام است. اگر ما هم از اسلام دم بزنیم و عمل نکنیم، اسلام ما اسلام صوری است، فقط اسم اسلام است و اگر تعبیر درستی باشد، بتِ اسلام است.

اسلامی که یزید داشت، اسلام نبود و اگر **حسین** بن علی علیه السلام در مقابل انحطاطی که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله شروع شد و تا زمان یزید ادامه داشت، سکوت می‌کرد، این **انحطاط** رفته‌رفته بیشتر می‌شد و دیگر اثری از آن باقی نمی‌ماند. حتی اسم اسلام هم از بین می‌رفت.

امام **حسین** علیه السلام، همان‌طور که بارها و بارها گفته‌ایم، با شهادت خود افکار عمومی مسلمانان را بیدار کرد و آنان را به حرکت درآورد و در قلب‌ها و رگ‌هایشان خونی تازه و سرشار از اخلاص و ایمان و عاطفه تزریق کرد. بدین ترتیب، بعد از شهادتش، انقلاب‌ها و قیام‌هایی شکل گرفت و مشکلاتی بر سر راه بنی‌امیه به وجود آمد تا بالاخره اساس حکومت آنان و اسلامشان به‌کلی برچیده شد.

امام **حسین** علیه السلام با شهادت خود اسلام را زنده کرد و به همین سبب است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «**حُسَینٌ مِنِّیْ وَأَنَا مِنْ حُسَینٍ**»، چرا می‌فرماید من از **حسینم**؟ برای اینکه اسلام از **حسین** است و در نتیجه شهادت او اسلام دوباره متولد شد. به همین سبب به امام **حسین** علیه السلام می‌گوییم: «**ثار الله**»، یعنی خدا خودش خون‌بهای **حسین** است. شهادت امام علیه السلام اسلام را از خطر نابودی نجات داد و درخت رو به خشکی نهاده آن را آبیاری کرد.

در روایات آمده که کعبه قلب اسلام است: «لَا یَزَالُ هَذَا الذِّیْنُ قَائِمًا مَقَامَتِ الْکَعْبَةِ»، (تا کعبه باقی است، این دین هم باقی است). کعبه قلب اسلام و نشانه اسلام است و اسلام تا وقتی باقی است که کعبه مورد احترام و محل طواف مسلمانان باشد. امام **حسین** علیه السلام با شهادت خود کعبه و اسلام را دوباره زنده کرد و این قلب را از ایستادن باز داشت و لبریز از خیرخواهی و خون و حرکت کرد.

است و همه حاجی‌ها در مکه جمع می‌شوند، از مکه خارج شد. چرا؟ علت آن معلوم است. اولاً خود حضرت فرمود که یزید گروه مسلحی را به مکه فرستاده بود. این‌ها شمشیرهای خود را زیر لباس احرامشان مخفی کرده بودند و مأمریت قتل یا ترور حضرت را در حرم شریف بر عهده داشتند. ولی امام علیه السلام از ریخته شدن خونش در حرم شریف، هرچند مسبب آن یزید باشد، ابا داشت و نمی‌خواست **حرمت کعبه** با کشته شدنش در آنجا شکسته شود. او که می‌توانست با خارج شدن از مکه از بروز این مشکل (ریخته شدن خون در کعبه) در میان مسلمانان جلوگیری کند و چنین کرد و از مسجدالحرام خارج شد تا هتک حرمت کعبه در آینده سنت نشود و روش حاکمان و ظالمان نگردد. وقتی پسر دختر پیامبر صلی الله علیه و آله در کعبه کشته می‌شود، افراد عادی دیگر جای خود دارند.

البته، اشخاص دیگری بودند که در مسجدالحرام کشته شدند، مثل عبدالله بن‌زبیر، ولی بین مقام امام **حسین** علیه السلام و شخصیت عبدالله بن‌زبیر تفاوت بسیاری بود، به‌ویژه اینکه اهداف و روش اعتراض و شیوه مبارزه هریک با دیگری متفاوت بود. امام **حسین** علیه السلام اولاً، پسر دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و ثانیاً، امام و راهنمای امت و نیز راوی احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. بنابراین، سعی کرد از هتک حرمت کعبه جلوگیری کند. کشته شدن عبدالله بن‌زبیر در مسجدالحرام هرچند بی‌حرمتی به آن بود، ولی تبدیل به روش و سنت نمی‌شد. هیچ‌کس به سبب کشته شدن عبدالله بن‌زبیر، آدم‌کشی در مسجدالحرام را سنت نمی‌کرد. اما امام **حسین** علیه السلام برای حفظ مقام و احترام کعبه از آن خارج شد.

ثانیاً، همان‌طور که می‌دانیم، امام **حسین** علیه السلام با انقلاب و اعتراض و شهادت خود، اسلام را حفظ کرد. اسلام اموی که آنان می‌خواستند، اسلام نبود، بلکه وسیله‌ای بود برای حکومت بر مردم، و الا میان یزید که به اسم اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله حکومت می‌کرد و دیگر حاکمان ظالم فرقی وجود نداشت. امویان اهل نماز که نبودند، به‌طور دسته جمعی شراب‌خواری می‌کردند، خون بی‌گناهان را می‌ریختند و به نوامیس مردم دست‌درازی می‌کردند. آیا فرقی بین یزید و دیگر حاکمان کافر و غیرمسلمان می‌بینید؟ پس اسلامی که یزید به کمک آن به کرسی خلافت تکیه زد، اسلام **صوری** است؛ پوسته اسلام است؛ اسلامی است که یزید برای به‌قدرت رسیدن، بر آن



در احادیث شعبه در مناسبت‌های گوناگون زیارت امام **حسین** علیه السلام وارد و برای آن ثواب‌های عظیمی حتی بالاتر از حج و عمره توسط امامان شیعه علیهم السلام بیان شده است. امام موسی صدر رحمه الله در یک سخنرانی به مناسبت آغاز ماه رجب از منظر قابل توجهی به واکاوی این موضوع پرداخته است.

اگر روزهای زیارتی امام **حسین** علیه السلام را بررسی کنیم، می‌بینیم که روز عرفه هم از روزهای زیارتی آن حضرت است و زیارت در آن روز ثواب فراوانی دارد. می‌دانیم که روز عرفه روزی است که حج با آن شروع می‌شود، یعنی بعد از اتمام عمره، حاجی‌ها به عرفات می‌روند و حج با آن شروع می‌شود. حاجی لباس احرام می‌پوشد و آماده حج می‌شود، ولی اولین کاری که باید انجام دهد، حتی قبل از نماز، این است که از ظهر تا غروب در عرفات بماند. این اولین عمل و اولین منسک از مناسک حج است. در این روز، زیارت امام **حسین** علیه السلام استحباب دارد و تأکید ویژه‌ای بر آن شده است. چه تناسبی بین این‌دو وجود دارد؟

در ایام حج، یعنی در ماه ذی‌الحجه که مناسک حج شروع می‌شود، زیارت امام **حسین** علیه السلام مستحب است. در ایام مناسک عمره که از اول رجب شروع می‌شود و در نیمه رجب به اوج خود می‌رسد، باز زیارت امام **حسین** علیه السلام مستحب است. این مسئله سز و علتی دارد و باید آن را پیدا کنیم و بفهمیم. علت آن ارتباط عمیقی است که بین امام **حسین** علیه السلام و حج وجود دارد. این ارتباط از چند لحاظ مورد توجه است:

اولاً می‌دانید که امام **حسین** علیه السلام از ماه شعبان تا هفتم ذی‌الحجه و هشتم آن، که یوم الترویه است، در مکه بود و در یوم‌الترویه که هشتم ذی‌الحجه



مروه پشت سر نهاد اما صفا دارد حسین

شنیدن فایل صوتی این شعر
با صدای مرحوم استاد شهریار

مرحوم استاد سید محمد حسین شهریار

روی دل با کاروان کربلا دارد حسین
مروه پشت سر نهاد، اما صفا دارد حسین
بیش ازین‌ها حرمت کوی منا دارد حسین
اشک و آه عالمی هم در قفا دارد حسین
کس نمی‌داند عروسی یا عزا دارد حسین
تا به جایی که کفن از بوریا دارد حسین
ورنه این بی حرمتی‌ها کی روا دارد حسین
چون سحرروشن که سرازتن جدا دارد حسین
می نماید خود که عهده با خدا دارد حسین
خون به دل از کوفیان بی وفا دارد حسین
با کدامین سرکند، مشکل دوتا دارد حسین
هر زمان از مایکی صورت نما دارد حسین
عزت و آزادگی بین تا کجا دارد حسین
داوری بین با چه قومی بی حیا دارد حسین
دل تماشا کن چه رنگین سینما دارد حسین
گوش کن عالم پر از شور و نوا دارد حسین
با دم خنجر نگاهی آشنا دارد حسین
جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین
کاندین گوشه عزایی بی‌ریا دارد حسین

شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین
از حریم کعبه جدش به اشکی شست دست
می‌برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم
پیش رو راه دیار نیستی، کافیش نیست
بس که محمل‌ها رود منزل به منزل با شتاب
رخت و دیباج حرم چون گل به تاراجش برند
بردن اهل حرم دستور بود و سرّ غیب
سروران، پروانگان شمع رخسارش ولی
سر به قاچ زین نهاده، راهپیمای عراق
او وفای عهد را با سر کند سودا ولی
دشمنانش بی امان و دوستانش بی وفا
سیرت آل علی با سرنوشت کربلاست
آب خود با دشمنان تشنه قسمت می‌کند
دشمنش هم آب می‌بندد به روی اهل بیت
بعد ازینش صحنه‌ها و پرده‌ها اشکست و خون
ساز عشق است و به دل هر زخم پیکان زخمه‌ای
دست آخر کز همه بیگانه شد دیدم هنوز
شمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدا
اشک خونین گویا بنشین به چشم شهریار



ویژگی شیعیان امام حسین

وَقَالَ رَجُلٌ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا مِنْ شِيعَتِكَمُ قَالَ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَدْعِيَنَّ شَيْئاً يَقُولُ اللَّهُ لَكَ كَذَبْتَ وَفَجَرْتَ فِي دَعْوَاكَ إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غِيٍّ وَدَغَلٍ وَلَكِنْ قُلْ أَنَا مِنْ مَوَالِيكُمْ وَ مُحِبِّكُمْ .

شخصی نزد حسین بن علی علیه السلام آمد و گفت: یا ابن رسول الله! من از شیعیان شما هستم. حضرت فرمود: از خداوند بترس و مدّعی مقامی نباش که خداوند تو را تکذیب کند و در ادعایت رسوا گردی؛ شیعیان ما کسانی هستند که دل‌های آن‌ها از هر حيله و فریبی سالم باشد؛ لکن شما بگو من از دوستداران شما می‌باشم (نه شیعیان شما).

تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه وژام)، جلد ۲، صفحه ۱۰۶



برگرفته از کتاب «خطبه های منا»
حجت الاسلام والمسلمین اصغر محمدی

معرفی خطبه امام حسین علیه السلام در سرزمین منا

در این خطبه فرموده اند، مسأله انحراف از حق و خروج از مسیر صحیح و اصيل ولايت و به فراموشی سپرده شدن وصایای رسول خدا ۹۱ در این موضوع مهم و اساسی است؛ چرا که وجود مقدسش از اولین روزهای بعثت در حدیث عشیره موضوع ولايت و امامت را مطرح ساخت و با بیانات و تعبیرات گوناگون، مانند حدیث سدّ أبواب و ولايت و غیره در طول بیست و سه سال دوران نبوتش، امیر مؤمنان علیه السلام را معرفی نمود تا اینکه در آخرین روزهای زندگی خود این مسأله مهم و حساس و حیاتی را با صراحت هرچه بیشتر در میان مسجد و بر بالای منبر مطرح گردانید تا دیگر برای کسی جای تردید و راهی برای تأویل باقی نماند و بعضی حضار مجلس «منا» خود شاهد و ناظر این معرفی ها بودند و لذا پاسخ آنان به حضرت ثار الله سلام الله علیه پس از بیان هریک از این معرفی ها این بود که: «اللهم نعم». ولی هر چه بود و به هر دلیلی بود این انحراف به وجود آمد و با گذشت زمان تشدید شد.

تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر

امام حسین علیه السلام در بخش دوم از این کلمه نورانی و خطبه جاودانی، مهاجران و انصار را به طور خاص و همه مسلمانان را در طول تاریخ به طور عام، مورد خطاب قرار داده و مسامحه آنها را در امر به معروف و نهی از منکر که اساس نظام اجتماعی اسلام بر آن استوار است ملامت و نکوهش نموده است و به عنوان یکی از علل به وجود آمدن ظلم های اجتماعی و مسلط شدن ظالمان و ستمگران بر سرنوشت مسلمین معرفی کرده است.

خطبه منا و تأکید بر نشر آن

آخرین نکته، تأکید آن جناب بر لزوم نشر مطالب این خطبه نورانی در جهان اسلام است؛ زیرا آن حضرت به شنوندگان توصیه و تأکید فرمود که آن خطبه را بنویسند و پس از مراجعت به اوطان خویش با مسلمانان متعهد و مورد اعتماد در میان گذارند تا به وظیفه خویش نسبت به رویدادهای آینده آشنا و بر دفاع از موضع به حق اسلام آماده شوند.

در شماره بعد، فرازهایی از این خطبه را مرور می کنیم.

مسلحانه را به نفع اسلام نمی دانست و اوضاع را چنان می دید که دستگاه عظیم تبلیغاتی معاویه از هر حرکت و قیام به نفع خود و در تحکیم خلافت بنی امیه بهره برداری خواهد کرد ولیکن حتی در این شرایط نیز سکوت را جایز نمی دانست؛ بنابراین از يك سو جنایات بنی امیه را افشا و مسلمانان را از اوضاع جاری و خطرات آینده آگاه می نمود و از طرف دیگر، خود را برای قیام در زمان مناسب آماده می ساخت و بنابر مضمون این خطبه باید همان محفل و انجمن (منا) را اولین مجلس اعلان قیام از سوی حضرت حسین بن علی علیه السلام بر ضد بنی امیه دانست و به طور کلی، در عین اینکه می توان مسائل دیگری را هم در حرکت آن حضرت به عنوان عامل جنبی و انگیزه ظاهری به شمار آورد، اما علت تأمه قیام آن حضرت را متن و محتوای این خطبه و نقطه و تاریخ آغاز قیام را تاریخ ایراد خطبه معرفی کرد که وجود و عدم سایر انگیزه ها نمی توانست در اصل قیام مؤثر واقع شود و یا مانع ایفای این وظیفه گردد.

خطبه منا، یا مراسم برائت از مشرکین

برائت از مشرکین و اظهار تنفر از دشمنان اسلام با مناسک حج ارتباط مستقیم دارد و اگر لازم است در اجتماع بزرگ حج و کنگره جهانی اسلام مسلمانان را از خطر دشمنان آگاه و با اعلان برائت و بیزاری از طواغیت و شیاطین، قدرت اسلام را به نمایش گذاشت و پیروان قرآن را به عظمت نیروی خویش و برای هر نوع دفاع و مقابله متوجه و آماده ساخت. پس باید از اجتماع منا و از خطبه آتشین آن حضرت، به عنوان دومین مراسم رسمی برائت از مشرکین یاد کرد؛ چرا که برای نخستین بار این مراسم توسط حضرت امیرالمومنین علیه السلام و به فرمان خدا و رسولش ﷺ در مکه برگزار شد و ندای حضرتش با قرائت «براءة من الله و رسوله» در مکه طنین افکند و برای دومین بار هم در منا و در آن انجمن بی نظیر از سوی امام حسین علیه السلام با افشای خط انحرافی حاکم و نفی سلطه نفاق روز که اسلام را شدیدتر از شرك دوران حضرت رسول ﷺ تهدید می کرد تحقق یافت.

انحراف از حق و خروج از مسیر صحیح و اصيل ولايت

اولین مطلبی که حضرت امام حسین علیه السلام

شنوندگان خطبه

از نکات مهم در کیفیت ایراد خطبه شریفه در نظر گرفتن شرکت کنندگان در آن مجلس مهم است که حضور دویست نفر صحابی و بیش از هشتصد نفر از تابعین و فرزندان صحابه، نشان از حضور شخصیت های زبده و برجسته اسلامی و نخبگان بنی هاشم و مهاجرین و انصار دارد. نکته دیگر آنکه بنابر تصریح سلیم بن قیس، امام حسین علیه السلام بانوان بنی هاشم و همسران بعضی از صحابه و تابعین را به مجلس فراخوانده بود.

زمان خطبه

ایام تشریق پس از طی يك دوران عبادت و ریاضت و ارتباط با خداوند و همچنین پس از انجام اعمال (عمره) و گذشتن از منزل (عرفات) و بیتوته نمودن در بیابان (مشر) و انجام دادن مراسم قربانی و رسیدن به يك دوران روحی و معنوی برای دریافت پیام حیات بخش و فرمان بلند ریحانه رسول خدا ﷺ این خطبه ایراد شد.

مکان خطبه

مکان ایراد خطبه، «منا» است، این مکان حساس ترین نقطه در جوار بیت الهی، وادی عشق ابراهیم بنیانگذار توحید و قربانگاه اسماعیل الگوی فداکاری و از جان گذشتگی می باشد. مکان کنار گذشتن همه تعینات است. در این مکان باید جز خدا را به دست فراموشی سپرد و با تمرین رجم شیاطین برای مبارزه با طاغوت ها آماده گردید. در اینجا با انجام مراسم قربانی، فدا شدن در راه خدا و گذشتن از سر و جان را در راه ایمان و اسلام تمرین می کنند.

خطبه منا یا اعلان قیام علیه بنی امیه

تاریخ ایراد این خطبه نشانگر این است که امام حسین علیه السلام از زمان معاویه در انتظار فرصت مناسب برای انقلاب و قیام علیه خاندان اموی و سرنگون ساختن این ساختن يك حکومت صالح و سپردن سرنوشت اسلام و مسلمین به دست رهبری عادل و امامت برحق بود. در این خطبه شریفه، علاوه بر تصریح به این موضوع از همه مسلمانان درخواست شده است که در این قیام به آن حضرت لبیک بگویند.

امام حسین علیه السلام در زمان معاویه، قیام

خطبه منا یکی از خطبه های مهم و تاریخی حضرت اباعبدالله حسین علیه السلام است که آن حضرت در سال ۵۸ هجری و دو سال قبل از مرگ معاویه و در اوج بحران اختناق و ظلم و فشار دستگاه حاکم اموی بر امت اسلامی، ایراد فرموده اند.

گرچه این خطبه شریفه را در بیشتر جوامع روایی به صورت یک حدیث متصل آورده اند، ولی با توجه به وجود مطالب مختلف و ابعاد گوناگون و نقل صاحب تحف العقول و استظهار بزرگان می توان آن را به سه بخش مستقل تقسیم کرد:

بخش اول: فضایل امیر مؤمنان و خاندان عصمت؛

بخش دوم: دعوت عام به امر به معروف و نهی از منکر و ذکر اهمیت این وظیفه بزرگ اسلامی؛

بخش سوم: بیان وظیفه علما و ضرورت قیام در مقابل ستمگران و مفسد و آثار زیانبار سکوت و سهل انگاری در انجام وظیفه.

بیان نکاتی پیرامون خطبه

گستره خطبه

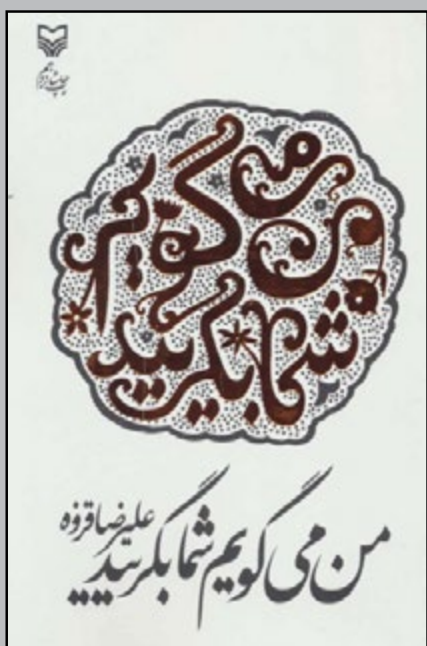
امام حسین علیه السلام در این خطبه شریفه، جوانب مختلف اجتماعی، مذهبی دوران پس از شهادت امیرمؤمنان و زمینه های تسلط معاویه بر جامعه اسلامی و بر سرنوشت مسلمین را مطرح کرده و به خطراتی که آینده اسلام را تهدید می کرد، اشاره می کند و هشدار می دهد که اگر مسلمانان قیام نکنند و سران قوم و خواص جامعه به مسئولیت های خود توجه نکنند، چراغ پرفروغ رسالت بی فروغ خواهد شد و مشعل فروزان نبوت به خاموشی خواهد گرایید.

متن خطبه

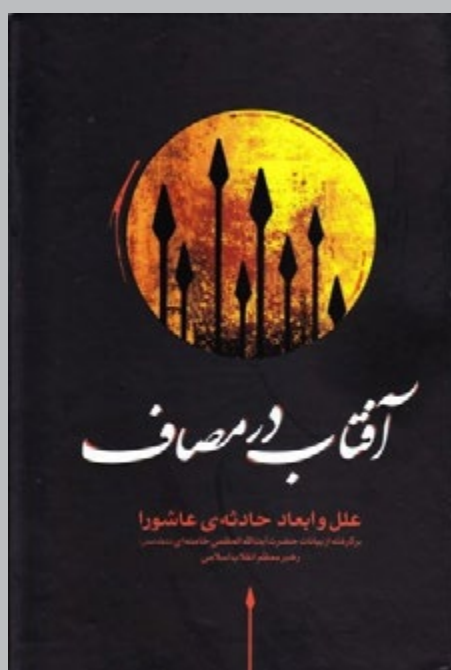
خطبه منا در سه قطعه و از هم جدا در کتب حدیثی نقل گردیده است. بخش اول آن در کتاب سلیم بن قیس هلالی و بخش دوم و سوم آن در کتاب تحف العقول ابن شعبه حرّانی آمده است. لیکن با توجه به کیفیت خطاب و به کارگیری واژه ها و کلمات و تناسب آن ها با موقعیت سخنرانی منا و حکایت صدور آن از معصوم، واحد دانستن و عمل به آن تأثیر چندانی نخواهد داشت. امام خمینی رحمه الله نیز در بحث ولايت فقیه، دو قطعه را از يك خطبه واحد امام حسین علیه السلام در منا شمرده اند.

کشور ما در این مدت بیشترین
تهدید و عناد و خباثت را از
استکبار دریافت کرده و ملت ما
در این مدت، بیشترین ایمان و

معرفی کتاب

من می گویم شما بگریید
علیرضا قزوه

مجموعهٔ مراثی عاشورایی به انتخاب شاعر آیینی معاصر، علیرضا قزوه است. در مقدمهٔ کتاب می خوانیم: «این سال های آخر، شعرهایی اینجا و آنجا از برخی مداحان آشنا و ناآشنا می شنوم که بیش از آنکه دل را بارانی کند، داعیهٔ خودنمایی دارد، حال آنکه اصل در کربلا گم شدن است و به اصل خویش رسیدن. همین انگیزه ای شد تا این اشعار را در دفتری فراهم آورم و هدیه اش کنم به مداحان سوخته دل آل الله، به خصوص آنان که به لحن عاشورا تکلم می کنند و حنجره شان وقف مظلومیت **حسین** (علیه السلام) و یاران است. می توانستم به جای این شعرها اشعاری انتخاب کنم که زرق و برق الفاظش امروزی تر باشد، اما فرمان از دل گرفتم و حکایت چنین شد که می بینید. تلاش شده است تا در شعرهای این دفتر ضعف های دستوری و زبانی و به خصوص محتوایی کمتر به چشم بیاید.

آفتاب در مصاف
مقام معظم رهبری (علیه السلام)

کتاب «آفتاب در مصاف» اثری برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که از سوی دفتر حفظ و نشر آثار معظم له انتشار یافته است. این کتاب در ۱۰۴۰ صفحه شامل مجموعهٔ تمام گفتارها و مطالب رهبر انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ دربارهٔ وجود مقدس امام **حسین** (علیه السلام) و تحلیل وقایع قبل و بعد از عاشورای سال ۶۱ هجری قمری است که به روش ترتیب تاریخی از قدیم به جدید تدوین شده است. البته صفحات ۶۷۹ تا ۱۰۴۰ این کتاب در لوح فشرده ای به همراه کتاب قرار دارد و به صورت مکتوب نیست. بهره گیری از فهرست تفصیلی و موضوعی، نمایه ی لفظی، نمایهٔ آیات، نمایهٔ روایات، نمایهٔ کلمات بزرگان و کتابنامه جامع و همچنین ارائهٔ مستندات کتاب در قالب لوح فشرده به همراه کتاب از ویژگی های بارز و منحصر به فرد این مجموعه است.

سخنان حسین بن علی (علیه السلام) از مدینه تا کربلا
آیت الله محمدصادق نجمی

در این کتاب نگارنده کوشیده است متن سخنان امام **حسین** (علیه السلام) را از آغاز حرکت از مدینه تا هنگام شهادت، به ترتیبی که آن حضرت در مناسبت های مختلف ایراد کرده، برگرفته از منابع مختلف، ثبت نماید. علاوه بر متن اصلی سخنان امام **حسین** (علیه السلام)، توضیح لغات، ترجمه و شرح متن نیز آمده است. بیان دقیق فرمایشات حضرت از مدینه تا کربلا و بررسی برخی از موارد مبهم تاریخی از جمله امتیارات این کتاب می باشد. این کتاب در چهار بخش مدینه تا کربلا، مکه تا کربلا، سخنان امام (علیه السلام) در کربلا و خطبهٔ **حسین** بن علی (علیه السلام) در منا تدوین شده است.



برپا شده است در دل من خیمه غمی
جانم چه نوحه و چه عزا و چه ماتی

عمر دست دلخوشم به همین غم که در جهان
غیر از غمت نداشته‌ام یار و همدمی

بر سیل اشک خانه بنا کرده‌ام ولی
این بیت سست را نفروشم به عالمی

گفتی شکار آتش دوزخ نمی‌شود
چشی که در عزای تولب ترکند نمی

دستی به زلف دسته زنجیر زن بکش
آشفته‌ام میان صفوف منظمی

می‌خوانی‌ام به حکم روایات روشنی
می‌خواهمت مطابق آیات محکمی

ذی الحجه اش درست به پایان نمی‌رسد
تقویم اگر نداشته باشد محرمی

سعید بیابانکی

از سخنان امام حسین علیه السلام

كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِظَنِي بِحَرْفَيْنِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَقْوَتَ لِمَا يَرْجُو وَاسْرَعَ لِمَجِيءِ مَا يَحْذَرُ.

مردی به امام حسین علیه السلام نوشت: مرا با دو حرف اندرز ده. حضرت در پاسخش نوشت:

هر که کاری را با نافرمانی خدا بخواهد، آنچه امید دارد زودتر از دستش برود و آنچه حذر کند زودتر به سراغش آید.

الکافی، جلد ۲، صفحه ۳۷۳

مَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ، وَمَنْ أَبْغَضَكَ أَغْرَاكَ .

هر که تو را دوست داشته باشد (از کار ناپسند) بازت می‌دارد و هر که با تو دشمن باشد فریبت می‌دهد (و تشویقت می‌کند).

نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، جلد ۱، صفحه ۸۸

فَمَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَجَدَهُ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ عَدَاً، وَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالصَّنِيعَةِ إِلَى أَخِيهِ كَافَاهُ بِهَا فِي كُلِّ وَقْتٍ حَاجَةً وَصَرَفَ عَنْهُ مِنْ بَلَاءٍ الدُّنْيَا مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهَا، وَمَنْ نَفَسَ كُرْبَةً مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ أَحْسَنَ أَحْسَنَ اللَّهِ إِلَيْهِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ .

هر کس برای رضای خدا به برادر دینی‌اش خدمت کند، خداوند در هنگام نیازش او را عوض خواهد داد و از گرفتاری‌های دنیا، بیشتر از خدمت وی از او رفع خواهد کرد و هر کس غمی را از دل مؤمنی بزدايد، خداوند غصه‌های دنیا و آخرتش را بر طرف می‌کند و هر کس نیکی کند، خداوند به او نیکی می‌کند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، جلد ۱، صفحه ۸۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ .

مردی از اهالی کوفه در ضمن نامه‌ای به حضرت حسین علیه السلام نوشت: مولای من بفرمایید خیر دنیا و آخرت چیست؟ حضرت علیه السلام در جواب او نوشتند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هر که خشنودی خدا را با ناخشنودی مردم طلبد، خداوند او را از امور مردم بی‌نیاز کند و هر که خشنودی مردم را با ناخشنودی کردن خدا جوید، خداوند او را به مردم واگذارد. و السلام.

الإختصاص، جلد ۱، صفحه ۲۲۵

نشریه ضیافت خلیل

شماره اول، سال دوم، محرم ۱۴۴۳ هـ ق | مرداد ۱۴۰۰ هـ ش

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، معاونت فرهنگی، مدیریت

برنامه و محصولات فرهنگی

نشانی: تهران، خیابان آزادی، خیابان رودکی شمالی، سازمان حج و زیارت،

طبقه اول، اتاق ۲۳۹

تلفن: ۶۴۵۱۲۱۵۲

تارنما: www.mb.hajj.ir